



ورود شارون سنگدل ترین ژنرال اسرائیلی به مذاکرات صلح

پس از شکست مذاکرات قبلی، ما به این نتیجه رسیدیم که این شکست، پایان راه نیست به همین دلیل ما باید به دنبال پیدا کردن راه دیگری بودیم. ما به دنبال انجام گفتگو با بی رحم ترین و سنگدل ترین اسرائیلی ها یعنی آریل شارون بودیم.

پس از شکست مذاکرات قبلی، ما به این نتیجه رسیدیم که این شکست، پایان راه نیست به همین دلیل ما باید به دنبال پیدا کردن راه دیگری بودیم. ما به دنبال انجام گفتگو با بی رحم ترین و سنگدل ترین اسرائیلی ها یعنی آریل شارون بودیم.

به گزارش فارس، کتاب خاطرات محمود عباس از جمله اسنادی است که می تواند برای محققین روند سازش و علاقمندان حوزه فلسطین مفید باشد چراکه عباس از جمله کلیدی ترین مهره های روند سازش بوده است. اگرچه این خاطرات بیشتر حول محور مذاکرات اسلو و قبل از آن دور می زند ولی اطلاعات ناب آن درباره نوع نگاه مبارزان فلسطینی با گرایشات غیر اسلامی و غیر جهادی، نحوه ارتباط آنها با گروه های صهیونیست از ابتدا تا کنون و روند سازش می تواند برای مخاطبان آن جالب باشد. ضمن اینکه قاعدتا نباید از این کتاب انتظار داشت تا با نگاه جهادی و اصیل مقاومت به موضوع بنگرد.

خبرگزاری فارس نیز به جهت اهمیت این موضوع، کتاب خاطرات محمود عباس را به طور کامل و به شکل سلسله وار منتشر می کند. قسمت بیست و هفتم این مطلب به خوانندگان محترم ارائه می شود:

*سنگدل ترین ژنرال اسرائیلی وارد مذاکرات صلح می شود

پس از شکست تجربه عمیراف-نسبیه، به این نتیجه رسیدیم که این شکست، پایان راه نیست. بلکه با توجه به عوامل این تجربه، برایمان روشن شد که عمیراف به تنهایی و به عنوان یک شخص وارد مذاکره نشده بود، بلکه وی پس از رایزنی با شماری از رهبران لیکود از جمله مدیر دفتر شامیر وارد این موضوع شده است. همچنین دانستیم که شماری از وزرای کابینه از این گفتگوهای عمیراف آگاه بوده اند. این به معنای این است که اساس و اصل این مسأله برای محافل داخل لیکود امری پذیرفته شده است. به همین دلیل ما باید به دنبال پیدا کردن راه دیگری باشیم تا از این راه گفتگوها ادامه پیدا کند. ما به دنبال انجام گفتگو با بی رحم ترین و سنگدل ترین اسرائیلی ها یعنی آریل شارون بودیم.

*شارون شخصیتی با آرزوهایی خارج از توان

شارون، شخصیتی بود که به دنبال راه یافتن به پست های کلیدی اسرائیل بود. آرزوهای بسیار فراتر از توان سیاسی و شخصیتی وی بود. به طور که او خود را همیشه رهبری الهام بخش معرفی می کرد و همیشه به دنبال تغییر بود تا شاید روزی به کرسی ریاست، تکیه بزند.

در آغاز دهه هفتاد قرن بیستم میلادی، وی عضو جنبش حیروت بود که با برخی جنبش های کوچک همسو و متحد شده بود تا مجموعه به نام "جاحال" را شکل دهند. این مجموعه در دولت ائتلاف ملی شکل گرفته در آستانه جنگ ژوئن 1967 مشارکت داشت. پس از جدا شدن شارون از حیروت، فهرستی مستقل به نام "شلومیت تیسیون" تشکیل دارد که توانست در انتخابات دو کرسی را به دست آورد. یکی از این دو کرسی متعلق به خود شارون شد. اما پس از آن تلاش کرد وارد فراکسیون لیکود شود و در آن نقش رهبری ایفا نماید.

*شارون به دنبال تحقق سلطه کامل اسرائیل بر فلسطین

این فراکسیون پس از انتخابات سال 1977 توانست دولت تشکیل دهد. درخشش نام شارون فقط در دو مناسبت بود؛ اولی در درهم کوبیدن استحکامات و ایجاد شکاف دفرسوار در کانال سوئز (جنگ 1973 میلادی) و دیگری در یورش به بیروت در ژوئن 1982 بود. وی توانست وزیر مسکن شود. او نسبت به ساخت بی رویه و فراوان شهرک و خانه، حریص بود تا بتواند رؤیای صهیونیستی خود مبنی بر سلطه کامل بر سرزمین اشغالی را محقق سازد.

*ارتباط با شارون از طریق دستگاه امنیتی اسرائیل

پس از انتخابات دور سیزدهم کنست و کنار رفتن لیکود، وی یکی از چهار نامزد ریاست حزب خود بود. این چهار نامزد عبارت بودند از:

شامير، ارينز، ليوي و شارون. پس از انزوای شامير و آرينز، شانس وي بيشتر شد. اما نتانياهو بر وي برتري يافت و او در اين مسير ناکام ماند. م. د که نمي خواهم نامش را فاش کنم، اقدام به انجام تماس هاي مقدماتي براي ديدار با شارون نمود. وي براي اين کار با يکي از مديران دستگاه جاسوسي اسرئيل که خود را "بوني" مي ناميد و زبان عربي را به خوبي مي دانست، در ارتباط بود.